



مدیریت کلاس درس موانع و راهبردها

کلیدواژه‌ها: مدیریت کلاس درس، اصول مدیریت کلاس درس، چالش‌های مدیریت کلاس درس، روش‌های مدیریت کلاس درس

اشاره

معلمان باید از روش‌ها و فنون مدیریت علمی، تدریس فعال و پویا، برنامه‌ریزی صحیح، سازمان‌دهی، رهبری و کنترل کلاس آگاه باشند. زیرا هر روز که می‌گذرد در جهان شیوه‌های نوینی در مباحث آموزشی مربوط به کلاس‌های درس مطرح می‌شود. بنابراین معلمان با کسب توانایی‌های لازم به‌منظور برنامه‌ریزی صحیح کلاس درس و حل مشکلات جوانان، نقش بسزایی در ایجاد جامعه سالم دارند. در واقع داشتن جامعه سالم در گرو تعلیم و تربیت و نظام آموزشی سالم است. سپردن امر تعلیم و تربیت به‌دست معلمان غیرمتخصص، سلامت نظام تعلیم و تربیت را به مخاطره می‌اندازد. معلم باید علم، روش و مهارت خود را با حرکت نسل امروز هماهنگ کند و طوری دانش‌آموزانش را تعلیم دهد که با اضطراب‌هایی نظیر بحران هویت، اشتغال و تهاجم فرهنگی، توان مبارزه داشته باشند و روحیه خودباوری و درک مثبت از خویش‌تن در وجود آنان تقویت شود. لذا در این مقاله سعی شده است ابتدا مدیریت کلاس درس تعریف و سپس اهداف و روش‌های آن بیان شود. در آخر چالش‌ها و موانع مدیریت کلاس درس بررسی و راهکارهایی ارائه شده است.

مدیریت کلاس درس و اهمیت آن

تحقیقات بی‌شمار نشان داده است که بسیاری از مشکلات اخلاقی و اجتماعی نوجوانان ما از جذاب نبودن محیط مدارس، کشمکش‌های دانش‌آموزان با معلمان و افت تحصیلی ناشی می‌شود. لذا مدیریت کارآمد معلم و ایجاد شرایط لازم برای تسهیل امر یادگیری در کلاس درس و مطابقت آن با نیازها و ویژگی‌های فراگیرندگان، لازمه جامعه امروزی و راهگشای بسیاری از مشکلات نوجوانان است.

در فضای نظام آموزشی فعلی، به‌جای اینکه رعایت نظم و انضباط به دانش‌آموزان توصیه شود، باید معلمان را تشویق کرد تا در اداره کلاسشان از روش‌های نوین مدیریت کارآمد بهره‌جویند.

معلمان باید بدانند، هر دانش‌آموز ویژگی خاص خود را دارد و این معلم است که باید با هنر، ذوق و سلیقه خود و با اتخاذ روش صحیح

و در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی آنان، درس را چنان لذت‌بخش و محیط کلاس را آن‌گونه شاداب و باطراوت ترسیم کند که فرصت بی‌نظمی به‌دانش‌آموزان ندهد.

معلم موفق کسی است که کلاس درس را به‌گونه‌ای آماده سازد که پاسخ‌گوی چالش‌های طول تدریس باشد. معلم باید توانایی‌های خود را بشناسد. او باید روش تدریس خود را ارزیابی کند تا اگر قدیمی و کهنه است، روش پویا و زنده‌ای را پیش گیرد. روحیه خلاقیت و نوآوری را در نهاد دانش‌آموزان شکوفا کند و معلمی را نه تنها وظیفه شغلی خود بلکه راهی برای ایجاد تحول و تغییر در فراگیر بداند. روش‌های برخورد با مشکلات کلاس درس را شناسایی کند و راهبردی پیش گیرد که فرایند یاددهی-یادگیری را مختل نسازد و مشکلات جزئی کلاس را به مشکلات کلی و وخیم تبدیل نکند. همچنین چنان بکوشد که دانش‌آموزان کلاس درس او مسائل آموزشی و مشکلات

دانش‌آموزان از میان ترکیب ویژگی‌های انتزاعی و دور از ذهن شخصیت معلم، دلایلی برای دوست داشتن یا دوست نداشتن او می‌یابند

مانند یک مدیر مؤثر نمی‌داند. ب. برنامه‌ریزی برای حل مشکلات کلاس را فرایندی فرامدیریتی نمی‌داند (صیامی، ۱۳۸۰ الف: ۳۰). معلمی موفق و کارآمد است که برای کلاس درس خود برنامه‌ریزی و مدیریتی کارآمد داشته باشد، نه اینکه کلاس را براساس موقعیت‌های پیش آمده در زمانی خاص و بدون برنامه‌ریزی قبلی اداره کند. بنابراین، معلم موظف است کلاس درس را کلیتی ترکیبی در نظر بگیرد نه مجموعه‌ای از عوامل که می‌توان برخی از آن‌ها را حذف کرد. معلم باید بداند که نظام کلاس او از نظام‌های بالاتر از خود، یعنی نظام مدرسه و نظام آموزش و پرورش تأثیر می‌پذیرد. کیفیت آموزش این نظام هدفمند به معلم کلاس به‌عنوان مدیر و برنامه‌ریز وابسته است. بنابراین، مدیریت کلاس به‌نحوی با جامعه نیز وابسته است و بر آن تأثیرگذار است. بدون شک شیوه سازمان‌دهی کلاس معلم در مدیریت کلاس او سهم بسزایی دارد. معلم است که صحنه را برای یادگیری بهتر فراهم می‌سازد (صیامی، ۱۳۸۰ پ: ۲۸). معلمان می‌توانند ساختارهای فعالیت کلاس درس را به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که آموزش هم در کلاس و هم در خانواده صورت گیرد. بدین‌گونه، دانش‌آموزان، علاوه بر معلمان، از والدین نیز یاد می‌گیرند که چگونه مشکلات یادگیری و رفتاری خود را حل کنند.

اهداف و اصول مدیریت کلاس

به‌نظر بیکروستراپ (۲۰۰۰) اهداف عمده مدیریت کلاس شامل موارد زیرند:

- الف. برنامه‌ریزی درسی بر پایه آمیزه‌ای از تنوع و هدف
- ب. ارائه دستورالعمل‌های شفاف به دانش‌آموزان در مورد فعالیت‌های درسی

بنابراین، ارتباط صحیح معلم (به‌عنوان یاددهنده) با فراگیرنده (به‌عنوان یادگیرنده) فرایند آموزش را شکل می‌دهد و پس از طی یک دوره آموزش توسط معلم، در فراگیرنده تغییر رفتار صورت می‌پذیرد. اگر معلم در این نظام با نگرش صحیح و طراحی آموزشی و مدیریت کارآمد اقدام کند، نتیجه این فرایند مطلوب خواهد بود. بدون تردید رکن اصلی این فرایند دانش‌آموز است. دانش‌آموز در این نظام مجموعه‌ای است از توانایی‌های عقلی و خلاقیت‌ها و استعدادها، هر دانش‌آموز منش و شخصیت و خلاقیت‌های منحصر به فردی دارد و این معلم است که با مدیریت کارآمد، استعدادهای بالقوه فراگیرندگان خود را کشف می‌کند و به فعلیت می‌رساند. فرایند یادگیری انسان پیچیدگی‌های فراوان دارد. معلم باید به علوم روز به‌ویژه مدیریت کلاس درس مجهز باشد و در حرفه معلمی خود از فناوری آموزشی و روش‌های تدریس فعال استفاده کند. معلم موظف است بر مشکلات رفتاری و انضباطی در کلاس فائق آید و آنان را به بهترین شیوه هدایت کند. اهمیت و نقش مدیریت کلاس را بشناسد و جایگاه استفاده از آن را بداند. او باید در ابتدای سال تحصیلی قوانین و مقررات صریح مربوط به کلاس را برای دانش‌آموزان خود تبیین و در امر یاددهی و یادگیری از تشویق و تنبیه به‌موقع استفاده کند. بیشتر معلمان فعالیت‌های بسیاری برای دانش‌آموزان خود انجام می‌دهند، اما گاهی این فعالیت‌ها پراکنده و بدون روش خاصی اجرا می‌شوند. این‌گونه معلمان، دانش مدیریت کلاس را به‌عنوان دانش پایه‌ای مورد نیاز در نظر نمی‌گیرند. این توجه نداشتن معلم به اهمیت و ضرورت مدیریت کلاس، دو دلیل دارد:

الف. نقش خود را در کلاس

رفتاری خود را در محیطی آرام و سرشار از محبت و غیرتهدیدآمیز حل کنند.

به‌گفته آیرنز (۱۹۸۲) برخی از معلمان در هنر معلمی استعداد بیشتری دارند. اگرچه ممکن است به ضرورت در علم معلمی استعداد خوبی نداشته باشند. این گروه از معلمان می‌توانند به‌صورتی ماهرانه فضای کلاس را برای یادگیری مساعد و دل‌انگیز کنند و مسائل و مشکلات انضباطی آن را به‌حداقل برسانند.

علاوه بر مهارت‌های مربوط به هنر معلمی، تسلط بر کلاس و مهارت‌های آموزشی که معلمان برای برخورد با وقایع کلاس نیاز دارند، واکنش‌ها و راهبردهای معینی نیز وجود دارند که معلمان می‌توانند آن‌ها را فراگیرند و در اداره کلاس به‌کار بندند. موفق‌ترین مدیران کلاس آنانی هستند که بتوانند زمان وقوع رفتارهای بد را در کلاس به‌دقت پیش‌بینی کنند و برای پیشگیری از وقوع آن‌ها عمل کنند. **اریکسون** و **موهات** (۱۹۷۰) می‌گویند: دخالت‌های معلم هیچ‌گونه وقفه‌ای در جریان فعالیت‌های کلاس ایجاد نخواهد کرد.

دانش‌آموزان از میان ترکیب و ویژگی‌های انتزاعی و دور از ذهن شخصیت معلم، دلایلی برای دوست داشتن یا دوست نداشتن او می‌یابند. به‌هرحال، آنچه به معلم یاری می‌دهد تا کلاس موفق داشته باشد، از یک جهت به شناخت او از نقشه‌های خود در تدریس و از طرف دیگر به آگاهی معلم از روندهای علمی نهفته در مدیریت کلاس بستگی دارد (سجادی، ۱۳۷۳).

کلاس درس و کار معلم با فراگیرندگان در ارتباط است. به‌عبارت دیگر، کلاس درس از اجزایی تشکیل شده است که یک‌طرف آن معلم و طرف دیگر دانش‌آموز است و رسانه‌ها، روش‌ها و وسایل نیز در کنار این دو هستند.



دیگر عوامل یادگیری توجه دارد. هدف او به هنگام توضیح درس، مشارکت دادن دانش‌آموزان است. برقراری مدیریت مؤثر بر کلاس درس، به تفکرات و احساسات پاسخ می‌دهد. چنین معلمی اعتماد به نفس بالایی دارد، به حدی که دانش‌آموزان را در مدیریت کلاس درس سهیم می‌کند یا کلاس درس را یکسره به آنان می‌سپارد و خود راهنما می‌شود. همچنین، با گفت‌وگو و مشورت با دانش‌آموزان تصمیم می‌گیرد تا در آنان توان یادگیری را عملی سازد (صیامی، ۱۳۸۰ ب: ۲۶).

مهارت‌های مدیریت کلاس

مدیریت کلاس بر دو مهارت به هم پیوسته و اساسی استوار است: تصمیم‌گیری؛ اقدام

اقدام یعنی عملی که در کلاس درس تحقق می‌پذیرد. مانند تأکید بر نکته‌های تدریس یا استفاده از تخته سیاه. و تصمیم‌گیری یعنی اقدامی را چگونه، چه وقت و به وسیله چه کسی باید انجام داد؟ از این‌رو، مهارت‌های اساسی و ضروری برای مدیریت کلاس درس، به منزله اتخاذ تصمیم مناسب و تبدیل آن به اقدامی مؤثر است (زمانی، ۱۳۷۸: ۲۲).

پس می‌توان گفت، مدیریت کلاس درس زرهی نیست که معلمان از نخستین روز تدریس بر تن کنند و خود را در برابر مشکلات کلاس و چالش‌ها ایمن سازند، بلکه مهارتی است که هر روز با تجربه و تأمل و دقت در کلاس کامل می‌شود و معلم را در تدریس کارآمدتر می‌سازد.

روش‌های مدیریت کلاس رفتارگرایانه

مهارت رویکرد رفتارگرایانه به این نکته تأکید دارد که معلم باید به گونه‌ای تصمیم‌گیری کند که در کلاس درس او مشکلی به وجود نیاید. معلم موظف است

معلمی جامع‌الاطراف باشد تا توانایی ایجاد شرایط بهینه برای یادگیری را تحقق بخشد. طبق نظر اسکویونر (۱۹۹۴)، معلم جامع‌الاطراف قدرت توانمندسازی دارد. او معتقد است معلمان سه گونه‌اند:

۱. توضیح‌دهنده؛
۲. مشارکت‌دهنده؛
۳. توانمندساز.

معلم توضیح‌دهنده بر موضوع درس تسلط دارد، اما آگاهی او از روش تدریس اندک است. تدریس او بر محور سخنرانی و توضیح استوار است و برخی دانش‌آموزان با او همراه هستند.

معلم مشارکت‌دهنده بر موضوع درس تسلط دارد و افزون بر آن با روش تدریس نیز آشناست. او می‌کوشد از فعالیت‌های جالب بهره‌گیرد، دانش‌آموزان را در کارها مشارکت دهد و در عین حال مدیریت صحیحی را در کلاس اعمال کند.

معلم توانمندساز در مرحله عالی حرفه‌ای قرار دارد. او نه فقط موضوع درس و روش تدریس را به خوبی می‌شناسد، بلکه به تفکرات و احساسات دانش‌آموزان نیز به مثابه

ج. هدایت و نظارت بر یادگیری و فعالیت‌های دانش‌آموزان د. به کارگیری ابزارهای آموزشی و منابع یادگیری و تدریس ه. حرکت منطقی از یک مرحله تدریس به مرحله دیگر و. زمان‌بندی فعالیت‌های کلاس و ایجاد توازن در آن‌ها ز. شروع و خاتمه هدفمند درس.

از مهم‌ترین اصول کلاس، کارایی و جامع‌الاطراف بودن معلم است. اسکویونر (۱۹۹۴) فردی را معلم کارا می‌داند که بر مطالب درسی تسلط داشته باشد، کارها و اعمال او سازمان‌یافته و منظم، و خودش هم دارای اعتماد به نفس باشد. همچنین به دانش‌آموزان اعتماد کند و بذله‌گو و شکیبا باشد. به تعبیر دیگر، نخستین پیش‌درآمد برای اعمال مدیریت بر کلاس و ایجاد شرایط بهینه برای یادگیری این است که معلم فردی کارا باشد تا از مهارت‌های مدیریت کلاس درس بهره‌گیرد. جامع‌الاطراف بودن معلم، دومین پیش‌درآمد برای اعمال مدیریت بر کلاس است. معلم باید در حرفه

شروع و خاتمه هدفمند درس از مهم‌ترین اصول کلاس، کارایی و جامع‌الاطراف بودن معلم است

مدیریت کلاس درس زرهی نیست که معلمان از نخستین روز تدریس بر تن کنند و خود را در برابر مشکلات کلاس و چالش‌ها ایمن سازند، بلکه مهارتی است که هر روز با تجربه و تأمل و دقت در کلاس کامل می‌شود و معلم را در تدریس کارآمدتر می‌سازد

* منابع

۱. بختیار، حسن‌علی (۱۳۸۲). راهبردهای جدید آموزش در هزاره سوم. سماء قلم، تهران.
۲. سجادی، سیدمهدی (۱۳۷۳). فرایند تدریس. تربیت، تهران.
۳. سرکار آرائی، محمدرضا (۱۳۷۹). الفبای مدیریت کلاس. مدرسه، تهران.
۴. زمانی، محمدرسلول (۱۳۷۸). انضباط و مدیریت کلاس، دو مقوله متضاد. ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۱۲۱، دوره چهاردهم.
۵. صیامی، توحید (الف). مدیریت کلاس درس (قسمت دوم). ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۱۳۲، دوره شانزدهم.
۶. صیامی، توحید (ب). مدیریت کلاس درس (قسمت سوم). ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۱۳۳، دوره شانزدهم.
۷. صیامی، توحید (پ). مدیریت کلاس درس (قسمت دوم). ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۱۳۴، دوره هجدهم.

۲. جلب توجه همه دانش‌آموزان به درس.
۳. انجام دادن کارهای شفاهی و کارهای گروهی.
۴. ایجاد یا تقویت انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری.
۵. نظارت بر رفتار دانش‌آموزان.
۶. کمک به دانش‌آموزان ضعیف‌تر برای همسان کردن آنان با کلاس.
۷. نظارت بر پیشرفت یکایک دانش‌آموزان (صیامی، ۱۳۸۰: پ: ۲۸).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار از انواع مدیریت کلاس، موانع و راهبردهای آن سخن گفته شد. می‌توان گفت معلمان باید در عصر دانایی با کسب توانایی‌های لازم و برنامه‌ریزی برای مدیریت کلاس درس و نیز با ایجاد محیطی فعال در کلاس، زمینه‌ی خلاقیت و روحیه‌ی پرسشگری را در دانش‌آموزان خود پرورش دهند، آنان را در حل مشکلات کلاس سهیم کنند و اجازه ندهند روش‌های سنتی و قدیمی، کلاس درس آنان را از روحیه‌ی فعالیت و شادابی خالی کنند. معلمان باید از ایده‌ها و پیشنهادهای دانش‌آموزان خود برای بهبود کیفیت آموزشی بهره‌جویند تا فرایند یاددهی-یادگیری را امری سهل جلوه دهند. معلمان باید بدانند، اگر روش‌ها و مهارت‌های مدیریتی کارآمد در کلاس اجرا نشوند، هیچ یک از فنون مهارت‌های کلاس‌داری به نتیجه نمی‌رسند.

معلم با توان مدیریت خود می‌تواند بر دل‌های دانش‌آموزان مدیریت داشته باشد. مدیریت معلم چیزی جز توان و قدرت تصمیم‌گیری و اجرای عمل نیست. معلم با توان و کارایی خود می‌تواند مدیریت زمان کلاس خود را طوری برنامه‌ریزی کند که لحظه‌لحظه کلاس درس او درس عشق، ایثار، و توکل به خداوند باشد.

با دانش‌آموزان خود رابطه‌ی مشاور یا ارباب رجوع دارند و معلم در فعالیت‌های کلاس نقش حمایتی دارد.

مشکلات کلاس درس ناشی از این روش، پیامد رشد ناقص فردی دانش‌آموزان است، اما آنان را به‌خاطر بروز مشکلات کلاس سرزنش نمی‌کند، بلکه امری طبیعی است. این روش حداقل اقتدار را برای معلم در نظر می‌گیرد و به‌جای آن بیشتر به تقویت روابط میان معلم و دانش‌آموز تأکید دارد (سرکار آرائی، ۱۳۷۱).

به‌طور کلی نمی‌توان گفت که به‌طور مقایسه‌ای کدام روش کارآمدتر یا فاقد کارایی است. روشی برای معلم کارآمد است که بهترین نتیجه را در کلاس درس او داشته باشد. بنابراین، معلم باید روش‌های متعدد را در کلاس خود بیازماید و کارآمدترین را انتخاب کند. البته به صراحت می‌توان گفت، اندک معلمانی هستند که از نظر سبک یکی از روش‌های مدیریت رفتارگرایانه یا تعامل‌گرایانه یا غیرمداخله‌ای را اعمال می‌کنند و بیشتر معلمان، بدون اینکه از روش مدیریت کلاس درس خود آگاه باشند، ترکیبی از سه نوع مدیریت را استفاده می‌کنند. شیوه صحیح مدیریت کلاس برای معلمان آن است که همچون پزشکی ماهر، در هر لحظه از تدریس، روش صحیح، علمی و استاندارد خاصی را به کار گیرند و کلاس درس آن‌ها فعال و زنده باشد نه سرد، بی‌روح، خشک، مرده و خسته‌کننده.

چالش‌های مدیریت کلاس

به‌نظر بیکروستراپ (۲۰۰۰) مهم‌ترین چالش‌های معلمان در مدیریت کلاس درس، به‌ویژه کلاس‌های پرشمار، عبارت‌اند از: ۱. پرداختن به دانش‌آموزانی که توانایی آنان با دیگران بسیار متفاوت است.

در آغاز سال تحصیلی قوانین و مقررات کلاس درس را وضع کند و دانش‌آموزان موظف‌اند در طول سال آن قوانین را اجرا کنند. فرایند تقویت از طریق پاداش دادن به رفتارهای مطلوب و پس گرفتن امتیاز (در صورت بروز رفتارهای غیرمطلوب) در این روش مؤثر است. اقتدار معلم در این روش کاملاً محفوظ است و او در وضع و حفظ مقررات کلاس از این اقتدار بهره می‌جوید (صیامی، ۱۳۸۰: پ: ۲۶).

تعامل‌گرایانه

در این روش دانش‌آموزان در اقتدار معلم سهیم هستند. هرچند معلم در نهایت مسئول کلاس است، اما دانش‌آموزان توسط راهنمایی‌های معلم تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند. مقررات کلاس با مشارکت دانش‌آموزان وضع می‌شود. در این روش، مشکلات کلاس پیامد طبیعی حضور دانش‌آموزان تلقی می‌شود، غیرمنتظره نیست و مانند فعالیت‌های حل مسئله در کلاس مورد توجه قرار می‌گیرد و حل و فصل می‌شود.

رویکرد تعامل‌گرایانه، برخلاف روش رفتارگرایانه، ریشه مشکلات کلاس درس را در نظام آموزشی می‌داند و معتقد است نظام آموزشی کارآمد نیست و مرتب در حال تغییر و تبدیل است، بنابراین، تلاش برای حل مشکلات کلاس فایده‌ای ندارد، بلکه باید تلاش کرد که نظام آموزشی کارآمدتری ایجاد شود (صیامی، ۱۳۸۰: پ: ۲۸).

غیرمداخله‌ای

این روش حد وسط دو روش رفتارگرایانه و تعامل‌گرایانه است و مداخله معلم در حل مشکلات کلاس در آن بسیار اندک است. هدف اصلی در این روش ارتقای رشد فردی دانش‌آموزان و آزادی آنان است. معلمان در این روش